

بعد از شهادتش، برای نابودی قومش سپاه آسمانی فرو نفرستادیم. کلاً برای عذاب دادن قومی، لشکر فرو نفرستاده‌ایم؛ ۲۸ بلکه عذابشان غرضی وحشت‌زا بود و تمام! همگی درجا خشکشان زد! ۲۹

افسوس بر مردم! که هر پیامبری برای راهنمایی‌شان آمد، بدون استثنا، به مسخره‌اش گرفتند. ۳۰ مگر نمی‌بینند که قبل از آن‌ها چه نسل‌های زیادی را نابود کردیم و دیگر آن‌ها به سوی این‌ها بر نمی‌گردند؟! ۳۱ بدون استثنا، همه‌شان در پیشگاه ما احضار می‌شوند! ۳۲

در زمین‌های مرده، نشانه‌ای از یکتایی خدا برای بت پرست‌هاست: زمین‌ها را زنده می‌کنیم و از دلش دانه‌های مختلفی می‌رویانیم تا از آن تغذیه کنند. ۳۳ باغ‌های خرما و انواع انگور در آن پدید می‌آوریم و چشمه‌ها در آن می‌جوشانیم ۳۴ تا از میوه آن باغ‌ها استفاده‌ها کنند؛ درحالی‌که خودشان میوه‌ها را عمل نیاورده‌اند. پس چرا شکر نمی‌کنند؟! ۳۵ شگفتا کسی که همه نرها و ماده‌ها را آفرید: از نباتات و حیوانات گرفته تا خود انسان‌ها و موجودات ناشناخته. ۳۶

نشانه‌ای دیگر برای آن‌ها: با بیرون بردن روز، شب را فراگیر می‌کنیم و یک دفعه آن‌ها در تاریکی فرو می‌روند. ۳۷

خورشید هم با آنکه ثابت است، انگار حرکت می‌کند. این است اندازه‌گیری آن شکست‌ناپذیر دانا. ۳۸ ماه را به شکل‌های مختلفی درمی‌آوریم؛ تا اینکه دوباره مثل شاخه خمیده و کهنه خرما، به صورت هلالی نازک، دربیاید. ۳۹ نه خورشید با ماه برخورد می‌کند و نه شب از روز جلو می‌افتد. هریک از خورشید و ماه و اجرام آسمانی دیگر در مدارهای در حرکت است. ۴۰

نشانه‌ای دیگر برای آن‌ها: خود و خانواده‌هایشان را در کشتی‌های مجهز سوار می‌کنیم ۴۱ و همانندش، وسایل نقلیه زمینی و هوایی برایشان آفریده و می‌آفرینیم. ۴۲ اگر بخواهیم، غرقشان می‌کنیم. آن وقت نه فریادرسی دارند و نه نجات داده می‌شوند؛ ۴۳ مگر اینکه خودمان به آن‌ها رحم کنیم و مدتی دیگر از زندگی بهره‌مند شوند. ۴۴

وقتی به آن‌ها می‌گویند: «بترسید از کارهای فرداهایتان و عاقبت کارهای دیروزتان! تا لطف خدا شامل حالتان شود»، نشنیده می‌گیرند. ۴۵ هر نشانه‌ای از نشانه‌های خدا برایشان می‌آید، اعتنایی به آن نمی‌کنند. ۴۶

وقتی از آن‌ها می‌خواهند: «از چیزهایی که خدا روزی تان کرده، در راه خدا خرج کنید»، بی‌دین‌ها به مؤمنان می‌گویند: «بدهیم کسی بخورد که اگر خدا می‌خواست، خودش سیرش می‌کرد؟! معلوم است که خیلی از واقع دورید!» ۴۷ و ادامه می‌دهند: «اگر راست می‌گویید، این وعده عذاب کی می‌رسد پس؟!» ۴۸ انگار فقط منتظر یک غرّش وحشت‌زایند که در گیرودار همین بگومگوها، آن‌ها را فرا بگیرد! ۴۹ در آن حال، نه دیگر فرصت وصیت پیدا می‌کنند و نه فرصت مراجعه به خانه و خانواده‌شان! ۵۰

همین‌که در شیپور قیامت بدمند، ناگهان آن‌ها از گورها به طرف خدا می‌شتابند. ۵۱ می‌گویند: «ای وای ما، چه کسی ما را از قبرهایمان زنده بیرون آورد؟! این همانی است که خدای رحمان وعده داده بود. پیامبران هم راست می‌گفتند.» ۵۲ شروع قیامت فقط یک فریاد تکان‌دهنده است: ناگهان همه‌شان در پیشگاه ما احضار می‌شوند. ۵۳ آنجا به کسی ذره‌ای ستم نمی‌شود و فقط با همان کارهایی مجازات می‌شوید که دائم مشغولش بودید. ۵۴

۱. در جواب این ثروتمندان خودخواه باید گفت: اگر خدا می‌خواست، همه مردم را ثروتمند و سالم و بی‌مشکل می‌آفرید؛ ولی خدا با فقیرکردن یکی و ثروتمندکردن دیگری می‌خواهد هر دو را امتحان کند: اولی را به صبر و قناعت و دومی را به بخشش و گشاده‌دستی. انسان‌ها با مشکلات و نعمت‌ها آزمایش می‌شوند: بیمار با بیماری‌اش، سالم با سلامتی‌اش، مسئول با مسئولیتش، دانشمند با دانشش و ...

بهشتیان، در آن روز، به خوش گذرانی مشغول اند. ۵۵ آن‌ها و همسرانشان زیر سایه‌هایی آرام بخش بر تخت‌ها لَم داده‌اند. ۵۶ آنجا از میوه‌های رنگارنگ برخوردارند و کلاً هرچه دلشان بخواهد، مهیاست. ۵۷ «سلام بر شما». این صدایی است دلنشین از طرف خدای مهربان. ۵۸

در مقابل، به گناهکارها می‌گویند: «از صف خوبان جدا شوید!» ۵۹ فرزندان آدم! مگر سفارستان نکردم از شیطان اطاعت نکنید که او دشمن علنی شماست؟! ۶۰ و اینکه فقط از من اطاعت کنید که راه درست همین است؟! ۶۱ قطعاً شیطان جمعیت زیادی از شما را همراه کرد. پس چرا عقلتان را به کار نمی‌انداختید؟! ۶۲ این همان جهنمی است که به شما وعده داده می‌شد. ۶۳ حالا، به سزای بی‌دینی‌تان، در آن سرخ‌وسوخته شوید! ۶۴

امروز بر دهان‌هایشان مَهر سکوت می‌زنیم! دست‌هایشان با ما حرف می‌زنند و پاهایشان شهادت می‌دهند که صاحبانشان چه کرده‌اند! ۶۵

اگر می‌خواستیم، در همین دنیا چشم‌هایشان را کور می‌کردیم؛ آن وقت، راهشان را هم گم می‌کردند. اصلاً، چطور جلوی پایشان را می‌دیدند؟! ۶۶ اگر می‌خواستیم، درجا خشکشان می‌کردیم که دیگر نه راه پس داشته باشند و نه راه پیش! ۶۷

هرکه عمرش را طولانی کنیم، به عکس، توان ذهنی و جسمی‌اش را تحلیل می‌بریم. پس چرا عقلشان را به کار نمی‌اندازند که عذابشان بر ایمان کاری ندارد؟! ۶۸

به پیامبر شعریاد نداده‌ایم. اصلاً شعرو شاعری در شأن او نیست. این کتاب فقط مایه یادآوری و قرآنی روشنگر است ۶۹ تا مؤمنان زنده‌دل را هشدار بدهد و وعده عذاب برای کافران مرده‌دل حتمی بشود. ۷۰

مگر نمی بینند ما با دست توانای خود برایشان چهارپایانی آفریده ایم که در اختیارشان باشند؟! ۷۱ برایشان رامشان کردیم: از بعضی سواری می گیرند، از بعضی تغذیه می کنند، ۷۲ از منافعشان استفاده می برند و از شیرشان می نوشند. پس چرا شکر نمی کنند؟! ۷۳

بت پرست ها به جای خدا معبودهایی به پرستش گرفته اند؛ بلکه از این راه یاری بشوند! ۷۴ ولی بت ها توان یاری شان را ندارند. در قیامت، بت پرست ها را احضار خواهند کرد تا سیاهی لشکر بت ها باشند! ۷۵ پس حرف های بیجایشان غصه دارت نکنند؛ چون ما می دانیم چه ها پنهان می کنند و چه ها آشکار. ۷۶ مگر انسان نمی بیند که ما او را از ذره ای ناچیز آفریده ایم؛ اما او در عین ناباوری، دشمنی سرسخت می شود؟! ۷۷ و در حالی که آفرینش خودش را فراموش کرده است، استخوان پوسیده ای به رخ ما می کشد و می گوید: «این استخوان ها را چه کسی دوباره زنده می کند، آن هم وقتی پوسیده باشد؟!» ۷۸

بگو: «همان کسی زنده اش می کند که اول بار آفریدش. او حال هر مخلوقی را می داند. ۷۹ همان کسی که از درخت سبز، آتش سرخ برایتان آفریده تا هر زمان که بخواهید، با آن، آتش روشن کنید.» ۸۰

کسی که آسمان ها و زمین را آفریده است، مگر نمی تواند مثل بدن هایشان را بیافریند؟! چرا، می تواند؛ زیرا او آفریننده ای داناست. ۸۱ وقتی چیزی را بخواهد، فقط تا فرمان بدهد: «باش»، به سرعت به وجود می آید. ۸۲ منزّه است او که واقعیت های پشت صحنه هر موجودی دست اوست و آخر سر هم، به سوی او برتوان می گردانند. ۸۳

## سوره صفات

## به نام خدای خوبِ مهربان

قسم به صف کشیدگان برای وحی آوری، چه صفی! ۱ و به بازدارندگان شیطان‌ها از وحی دزدی، چه بازداشتنی! ۲ و به تلاوت‌کنندگان وحی بر نبی: ۳ که به یقین معبودتان هست یکی؛ ۴ همان صاحب آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آن‌هاست و صاحب مشرق‌ها. ۵

ما آسمان دنیا را به زیور ستاره‌ها، چشم نواز ساخته ایم ۶ و از دسترس هر شیطان سرکشی حفظش کرده ایم؛ ۷ طوری که از رفتن به عالم بالا منع می‌شوند و از هر سو هدف قرار می‌گیرند ۸ تا دور شوند؛ مگر کسی که دزدکی گوش دهد که آن وقت شهابی شکافنده تعقیبش می‌کند. عذابی همیشگی هم منتظرشان است! ۹ ۱۰

از منکران معاد پیرس: «آفرینش دوباره آن‌ها سخت‌تر است یا آفریده‌های دیگر ما؟!» ما آن‌ها را اول بار از گلی چسبناک آفریدیم. ۱۱ درحالی که حرف‌هایت را به مسخره گرفته‌اند، تو از انکارشان در تعجبی! ۱۲

وقتی به آن‌ها تلنگر بزنند، به خود نمی‌آیند. ۱۳ وقتی هم معجزه‌ای ببینند، حسابی مسخره می‌کنند ۱۴ و می‌گویند: «این علناً جادو جنبل است و بس. ۱۵ بعد از اینکه مردیم و مشت‌های خاک و استخوان شدیم، یعنی باز واقعاً زنده می‌شویم؟! ۱۶ آن وقت نیاکانمان چطور؟! ۱۷

بگو: «بله زنده می‌شوید، آن‌هم با خواری و خفت!» ۱۸ این زنده شدن فقط به یک فریاد است و یک دفعه، مات و مبهوت منظره قیامت را نگاه می‌کنند! ۱۹ می‌گویند: «ای وای ما، این است روز جزا!» ۲۰ این همان روز داوری است که همیشه دروغش می‌دانستید. ۲۱

این بت‌پرست‌های بدکار را با هم قطارها و بت‌هایشان که به جای خدا می‌پرستیدند، جمع کنید و به طرف جهنم ببرید! ۲۲ ۲۳ البته کمی نگهشان دارید تا از آن‌ها پرسیده شود: ۲۴

۱. پاورقی آیه ۴۰ سوره معارج (ص ۵۶۹) را ببینید.

۲. آیه ۱۶ تا ۱۸ سوره حجر (ص ۲۶۳) و پاورقی‌اش را ببینید.

«چه تان شده که کمکی به هم نمی‌کنید؟!» ۲۵ امروز دیگر در برابر حق تسلیم‌اند. ۲۶

رو به همدیگر می‌کنند و به سرزنش هم می‌پردازند. ۲۷ پیروان می‌گویند: «شما بودید که با ترفند خیرخواهی سراغ ما می‌آمدید!» ۲۸ پیشوایان می‌گویند: «به ما چه مربوط! شما خودتان ایمان نداشتید. ۲۹ از طرف ما که هیچ زوری بالای سرتان نبود! تازه، خودتان جماعتی سرکش بودید. ۳۰ به هر حال، وعده عذاب الهی بر همه ما حتمی شده و به ناچار آن را می‌چشیم. ۳۱ بله، از روی اختیار خودتان گمراهتان کردیم. آخر، خودمان هم گمراه بودیم.» ۳۲

آن روز همگی شان در عذاب مشترک‌اند. ۳۳ ما با گناهکارها این‌طور برخورد می‌کنیم؛ ۳۴ چون که وقتی به آن‌ها می‌گفتند: «معبودی جز خدا نیست»، تکبر می‌کردند ۳۵ و می‌گفتند: «به خاطر خیال بافی دیوانه، دست از معبودهایمان برداریم؟!» ۳۶ درحالی‌که او حقیقت را آورده بود و پیامبران گذشته را تأیید می‌کرد. ۳۷

البته شما عذاب دردناک جهنم را می‌چشید ۳۸ فقط با همان کارهایی مجازات می‌شوید که دائم مشغولش بودید. ۳۹

از آن طرف، بندگان ناب‌خدا ۴۰ رزق و روزی مخصوصی دارند: ۴۱ با احترام ویژه‌ای، از انواع میوه‌ها برخوردارند. ۴۲ در باغ‌هایی پُرناز و نعمت، ۴۳ روبه‌روی هم روی تخت‌ها لَم داده‌اند. ۴۴ با پیاله‌هایی از شراب بهشتی، دورشان می‌گردند: ۴۵ صاف و زلال است و لذت بخش برای نوشندگان! ۴۶ نه ضرری دارد و نه از نوشیدنش دچار بدمستی می‌شوند. ۴۷ در کنارشان دلبرانی‌اند پُرناز و غمزه و درشت‌چشم: ۴۸ انگار گوهری در صدف‌اند. ۴۹

آن بندگان ناب، رو به همدیگر می‌کنند و از گذشته هم می‌پرسند. ۵۰ یکی از آن میان می‌گوید: «راستی، من همنشین‌ی در دنیا داشتم که مُدام می‌گفت:

تو باور می کنی که قیامتی در کار باشد؟! ۵۱ ۵۲ یعنی بعد از اینکه مردیم و  
مشتی خاک و استخوان شدیم، جزا داده می شویم؟! ۵۳ ادامه می دهد: «شما  
خبری از او دارید؟» ۵۴

خودش از بالا نگاهی می اندازد و او را وسط جهنم می بیند. ۵۵ به او می گوید:  
«واقعاً که نزدیک بود مرا هم به درهٔ هلاکت بیندازی! ۵۶ اگر لطف خدا نبود،  
حضورم در جهنم حتمی بود.» ۵۷

بعد، به بهشتی ها می گوید: «جز همان بار اولی که در دنیا مردیم، دیگر  
نمی میریم؟! ما هرگز عذاب نمی شویم؟! چه خوب! ۵۸ ۵۹ این است همان  
کامیابی بزرگ! ۶۰ برای یک چنین پاداشی است که تلاش کنندگان باید تلاش  
کنند!» ۶۱

حالا، برای پذیرایی، این بهتر است یا درخت زقوم؟! ۶۲ ما درخت زقوم  
را وسیله ای برای عذاب بدکارها در نظر گرفتیم. ۶۳ درختی است که در قعر  
جهنم می روید. ۶۴ میوه اش شبیه کلهٔ شیاطین است! ۶۵ بدکارها به ناچار از  
آن می خورند و شکم هایشان را از آن پرمی کنند. ۶۶ برای نوشیدنی روی میوه  
هم، چرکابه ای جوشان در کناره های جهنم برایشان گذاشته اند ۶۷ که بعد  
از نوشیدنش، باز به طرف جهنم برمی گردند. ۶۸ با آنکه آن ها می دیدند که  
پدرانشان گمراه اند؛ ۶۹ ولی چشم و گوش بسته دنبالشان راه افتاده بودند. ۷۰

قبل از بت پرست های مکه هم، بیشتر گذشتگان گمراه شده بودند؛ ۷۱ با  
اینکه قطعاً میانشان هشدار دهندگانی فرستاده بودیم. ۷۲ پس ببین چه شد  
عاقبت هشدار داده شده ها! ۷۳ فقط بندگان ناب خدا نجات پیدا کردند. ۷۴  
نوح برای کمک خواهی صدایمان زد. خوب اجابت کننده ای بودیم ما! ۷۵ او  
و خانواده و پیروانش را از فشار طاقت فرسای زندگی در میان بی دین ها نجات  
دادیم. ۷۶

۱. و به احتمالی، نام میوهٔ درختی است به نام «آستن» که بسیار زشت و تلخ و بدبوست.

فقط نسل او را ماندگار کردیم ۷۷ و نامی نیک از او در میان آیندگان به یادگار گذاشتیم. ۷۸

سلام خدا بر نوح از طرف همهٔ جهانیان. ۷۹ ما به درستکاران این طور پاداش می‌دهیم. ۸۰ او بندهٔ باایمان ما بود. ۸۱ بعد، دیگرانی را که به خدا ایمان نیاوردند، غرق کردیم. ۸۲

ابراهیم از پیروان نوح بود ۸۳ که با دلی پاک به خدا ایمان آورد. ۸۴ به مردم و عمویش آزر گفت: «این‌ها دیگر چیست که می‌پرستید؟! ۸۵ به جای خدا، سراغ معبودهای دروغین می‌روید؟! ۸۶ دربارهٔ صاحب جهانیان چه فکری می‌کنید؟! ۸۷»

برای نرفتن به مراسم جشن، نگاهی به ستاره‌ها انداخت ۸۸ و گفت: «من حالم خوب نیست.» ۸۹ مردم با بی‌محلّی به او، گذاشتند و رفتند. ۹۰

ابراهیم مخفیانه به طرف بت‌هایشان رفت و با طعنه گفت: «چرا چیزی نمی‌خورید؟! ۹۱ چه تان شده که حرف نمی‌زنید؟! ۹۲ بعد، نزدیکشان رفت و با ضربه‌هایی محکم درهمشان شکست. ۹۳

مردم تا فهمیدند، سریع سراغش آمدند. ۹۴ ابراهیم گفت: «بت‌هایی را می‌پرستید که خودتان تراشیده‌اید؟! ۹۵ با آنکه خدا شما و بت‌هایی را که می‌سازید، آفریده است.» ۹۶

سران بت‌پرست پیشنهاد دادند: «کورهٔ آتشی بسازید و در آن پرتش کنید.» ۹۷  
برایش نقشه‌ای کشیدند؛ ولی نقش برآش کردیم و خوار و خفیفشان ساختیم. ۹۸  
گفت: «من، برای تبلیغ دین، می‌روم جای دیگری که خدا نشانم بدهد. ۹۹  
خدایا، بچه‌های شایسته‌ای به من ببخش.» ۱۰۰

پس به تولد پسری عاقل به نام اسماعیل مژده‌اش دادیم. ۱۰۱ وقتی به سنی رسید که می‌توانست همپای پدر کار کند، ابراهیم به او گفت: «گل پسر، دائم در خواب می‌بینم که دارم قربانی‌ات می‌کنم! نظر تو چیست؟» گفت: «پدرجان، هر کاری را که دستور می‌گیرید، انجام دهید. ان شاء الله می‌بینید که صورم.» ۱۰۲



وقتی هر دو تسلیم فرمان خدا شدند و پدر به پهلوی خوابانده شد، ... ۱۰۳ و صدایش زدیم: «ابراهیم! ۱۰۴ به خواب خود جامه عمل پوشانیدی.» ما به درستکاران این طور پاداش می دهیم. ۱۰۵ این حادثه آزمایشی بود دشوار. ۱۰۶ در ضمن، قربانی باارزشی فدای اسماعیل کردیم ۱۰۷ و نامی نیک از ابراهیم در میان آیندگان به یادگار گذاشتیم. ۱۰۸ سلام خدا بر ابراهیم. ۱۰۹ به درستکاران این طور پاداش می دهیم. ۱۱۰ او بنده باایمان ما بود. ۱۱۱

باز، به تولد بچه‌ای دیگر به نام اسحاق مژده‌اش دادیم. او پیامبری شایسته بود. ۱۱۲ خیر و برکتان را هم شامل حال ابراهیم و اسحاق کردیم. از نسلشان بعضی درستکار بودند و بعضی حسابی به خود بد می کردند. ۱۱۳

به موسی و هارون هم یقیناً نعمتی بزرگ بخشیدیم. ۱۱۴ آن دو و قومشان را از فشار طاقت فرسای اسارت در چنگ فرعونیان نجات دادیم. ۱۱۵ آن قدر یاری شان کردیم تا بالاخره پیروز شدند. ۱۱۶ به آن دو کتابی بسیار روشنگر دادیم. ۱۱۷ هر دویشان را در راه درست زندگی قرار دادیم ۱۱۸ و نامی نیک از آن دو در میان آیندگان به یادگار گذاشتیم. ۱۱۹ سلام خدا بر موسی و هارون. ۱۲۰ ما به درستکاران این طور پاداش می دهیم. ۱۲۱ آن دو، بنده باایمان ما بودند. ۱۲۲

الیاس هم پیامبر خدا بود. ۱۲۳ به مردم گفت: «چرا مراقب عقیده و رفتارتان نیستید؟! ۱۲۴ بت بعل را می پرستید و بهترین آفریننده را رها می کنید؟! ۱۲۵ همان خدایی که صاحب اختیار شما و نیاکان شماست؟!» ۱۲۶

پس او را دروغگو دانستند. این جماعت را برای حسابرسی احضار می‌کنند! ۱۲۷ فقط بندگان ناب خدا حساب‌کشی نمی‌شوند. ۱۲۸ نامی نیک از او در میان آیندگان به یادگار گذاشتیم. ۱۲۹ سلام خدا بر الیاس. ۱۳۰ ما به درستکاران این‌طور پاداش می‌دهیم. ۱۳۱ او بندهٔ باایمان ما بود. ۱۳۲

لوط هم پیامبر خدا بود. ۱۳۳ او و همهٔ خانواده‌اش را نجات دادیم؛ ۱۳۴ جز زن پیرش را که با جامانده‌ها گرفتار عذاب شد. ۱۳۵ آن وقت دمار از روزگار بقیهٔ مردم شهر درآوردیم. ۱۳۶

در سفرهایتان، صبح و شب از کنار ویرانه‌های شهرشان رد می‌شوید. پس چرا عقلتان را به کار نمی‌اندازید؟! ۱۳۸ ۱۳۷

یونس هم پیامبر خدا بود. ۱۳۹ وقتی از ایمان آوردن مردم ناامید شد، به طرف کشتی مجهزی گریخت. ۱۴۰ با مسافران قرعه انداخت و باخت؛ او را گرفتند و به دریا انداختند! ۱۴۱ پس نهنگ او را بلعید! یونس با آن فرارش، مستحق سرزنش بود. ۱۴۲ اگر او تسبیح‌گوی خدا نبود، ۱۴۳ تا روز قیامت در شکم نهنگ می‌ماند! ۱۴۴ درحالی‌که بی‌حال بود، او را به ساحلی بدون گیاه انداختیم ۱۴۵ و نوعی کدو بالای سرش رویانیدیم تا سایه بانس باشد. ۱۴۶

دوباره او را به سوی همان جمعیتِ بیش از صد هزار نفری نینوا فرستادیم. ۱۴۷ این بار به یونس ایمان آوردند. ما هم تا آخر عمرشان از نعمت‌های دنیا بهره‌مندشان کردیم. ۱۴۸ ۲

محمد! از بت پرست‌ها بپرس که دخترها برای خدا باشد و پسرها برای آن‌ها؟! ۱۴۹ مگر شاهد بودند که فرشته‌ها را مؤنث آفریدیم؟! ۱۵۰ بدان که آن‌ها از سرِ تهمتِ ناروا می‌گویند: ۱۵۱ «خدا فرزند آورده است.» آن‌ها یقیناً دروغ می‌گویند. ۱۵۲ آیا خدا دخترها را بر پسرها ترجیح داده است؟! ۱۵۳

۱. دو احتمال داده‌اند: یک: دریا طوفانی بود و کشتی سنگین. برای سبک‌کردنش ناچار شدند یک نفر را بیرون بیندازند؛ دو: نهنگی حمله کرده بود. صلاح دیدند یک نفر قربانی همه شود تا نهنگ او را بخورد و کشتی را رها کند و برود.

۲. دربارهٔ حضرت یونس عَلَيْهِ السَّلَام آیه‌های ۸۷ به بعد سورة انبیاء (ص ۳۲۹) را هم ببینید.

چه تان شده که این طور قضاوت می‌کنید؟! ۱۵۴ پس چرا به خود نمی‌آید؟! ۱۵۵ دلیل قانع‌کننده‌ای بر ادعای خود دارید؟! ۱۵۶ اگر راست می‌گویید، دلیل و مدرکتان را رو کنید! ۱۵۷

آن‌ها بین خدا و جن‌ها رابطه‌ی خویشاوندی قائل می‌شوند؛ با آنکه جن‌ها به خوبی می‌دانند برای حسابرسی احضارشان می‌کنند. ۱۵۸ خدا به دوراست از توصیف‌هایی که می‌کنند. ۱۵۹ فقط بندگان ناب خدا به شایستگی توصیفش می‌کنند. ۱۶۰

بنابراین شما و بت‌هایتان نمی‌توانید کسی را از راه خدا گمراه کنید؛ ۱۶۱ ۱۶۲ مگر کسی را که با اختیار خودش راهی جهنم باشد. ۱۶۳

فرشتگان می‌گویند: «هریک از ما جایگاهی معین دارد. ۱۶۴ ما همه، برای اجرای فرمان، صف بسته‌ایم. ۱۶۵ ما همه تسبیح‌گوی اویم.» ۱۶۶  
بت‌پرست‌های مکه با قاطعیت می‌گفتند: ۱۶۷ «اگر پیش ما هم کتابی بود مثل کتاب‌های آسمانی گذشتگان، ۱۶۸ ما حتماً بنده‌ی ناب خدا می‌شدیم!» ۱۶۹ ولی حالا که قرآن نازل شده، باورش نمی‌کنند. بالاخره نتیجه‌ی انکارشان را خواهند فهمید. ۱۷۰

البته وعده‌ی ما در حق بندگانمان که به پیامبری فرستاده شده‌اند، حتمی شده است: ۱۷۱ آنان در همه حال یاری می‌شوند ۱۷۲ و سپاهیان ما پیروز میدان‌اند. ۱۷۳ پس تا مدتی از آن‌ها رو بگردان ۱۷۴ و حال و روزشان را تماشا کن که نتیجه‌ی کارهایشان را خواهند دید! ۱۷۵ حالا، باز هم عذاب فوری می‌خواهند؟! ۱۷۶ وقتی عذاب از درودیوار بر سرشان ببارد، روزگارشان سیاه است آن هشدار داده شده‌ها! ۱۷۷ بله، تا مدتی از آن‌ها رو بگردان ۱۷۸ و تماشا کن که بالاخره نتیجه‌ی کارهایشان را خواهند دید! ۱۷۹

به دوراست خدای شکست‌ناپذیر از توصیف‌هایی که می‌کنند. ۱۸۰<sup>۲</sup> سلام خدا بر پیامبران الهی ۱۸۱ و خدا را سپاس که صاحب جهانیان است. ۱۸۲

۱. آیه ۱۰۰ سوره انعام (ص ۱۴۰) را هم ببینید.

۲. معصومان بزرگوار به ما سفارش کرده‌اند که وقتی از جای خود برمی‌خیزیم، این آیه و دو آیه بعدش را بخوانیم.

## سوره ص

## به نام خدای خوب مهربان

صاد. قسم به قرآن پُرعبرت که تو هشداردهنده‌ای؛ ۱ ولی بت پرست‌های بی‌دین دچار غرور و لج بازی اند. ۲ چه ملت‌های زیادی را قبل از آن‌ها نابود کردیم. فریادشان بلند بود؛ ولی دیگر کار از کار گذشته بود! ۳

بت پرست‌ها تعجب کردند که هشداردهنده‌ای از جنس خودشان برایشان آمده است. آن‌ها گفتند: «این جادوگری است حسابی دروغگو! ۴ آیا همهٔ معبودها را یک کاسه کرده است؟! واقعاً چیز عجیبی است این! ۵»

سران آن‌ها راه افتادند که: «مردم! بروید و در عبادت بت‌هایتان ثابت قدم باشید. او می‌خواهد با ادعای پیامبری، بر شما ریاست کند! ۶ چنین حرفی را در آیین‌های دیگر نشنیده‌ایم. این فقط یک آیین ساختگی است. ۷ آیا از میان همهٔ ما، قرآن فقط بر او فرستاده شده؟!»

اصلاً، آن‌ها به خود قرآن هم مشکوک اند. نخیر، بلکه هنوز عذابیم را نچشیده‌اند! ۸ مگر گنجینه‌های رحمت خدای شکست‌ناپذیرِ بخشنده‌ات دست آن‌هاست که هر کس را بخواهند، محروم کنند؟! ۹ مگر فرمانروایی آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آن‌هاست، مال آن‌هاست؟! اگر بله، پس با هر وسیلهٔ ممکنى بالا بروند و جلوی وحی را بگیرند! ۱۰

این‌ها خرده‌لشکری شکست‌خورده‌اند و بقایای گروه‌های مخالف؛ ۱۱ یعنی قوم نوح و عاد و فرعونِ شکنجه‌گر که قبل از آن‌ها به پیامبران برچسب دروغ‌گویی زدند. ۱۲ همچنین، قوم ثمود و لوط و اهالی ایکه. ۱ این‌ها گروه‌هایی‌اند که با پیامبران مخالفت کردند. ۱۳ تک‌تکشان پیامبران را به دروغ‌گویی متهم کردند؛ پس عذاب در حَقِّشان حتمی شد. ۱۴

بت پرست‌های زمان تو نیز انگار فقط منتظر یک غرَش و وحشت‌زایند که فرصت پلک‌زدن هم ندهد! ۱۵ طعنه می‌زنند: «خدایا، قبل از رسیدن روز حساب، زودتر سهممان را از عذاب بده!» ۱۶

۱. آیه ۲۴ سوره مؤمنون (ص ۳۴۳) را هم ببینید.

۲. داستان مردم ایکه در آیه‌های ۱۷۶ به بعد سوره شعراء (ص ۳۷۴) است.

در برابر یاوه سرایی‌شان صبوری کن و به یاد بندهٔ خوبمان داوود توانمند بیفت. او خدامحور بود. ۱۷ ما کوه‌ها و پرنده‌ها را دسته جمعی رام کردیم تا به همراهش صبح و شب تسبیح‌گوی ما باشند. همگی خدامحور بودند. ۱۸ ۱۹ پایه‌های حکومتش را هم محکم کردیم و حکمت و قضاوت به او بخشیدیم. ۲۰ پیامبر! آیا تا به حال داستان شاکسانی که از دیوار عبادتگاه داوود بالا رفتند، به گوش‌ت خورده است؟ ۲۱ وقتی این‌طور یک دفعه‌ای پیش داوود آمدند و او از حضورشان جا خورد، گفتند: «ترس! ما دو طرف یک دعوییم. یکی مان به آن یکی بد کرده است. میان ما به حق داوری کن و از عدالت خارج نشو. راه حل مناسبی هم جلوی پایمان بگذار.» ۲۲ یکی‌شان گفت: «این برادر من است. او نود و نه گوسفند دارد و من یک گوسفند؛ اما او می‌گوید: آن یک گوسفند را هم به من بده! دارد حرف زور می‌زند.» ۲۳ داوود گفت: «برادرت به تو ظلم کرده که می‌خواسته گوسفند تو را اضافه کند به گوسفندهای خودش. خیلی از شریک‌ها به حق خودشان قانع نیستند و به هم ظلم می‌کنند، مگر مؤمنان درستکار که آن‌ها هم خیلی کم‌اند.»

البته داوود فهمید که به احتمال زیاد با این صحنه‌سازی او را آزمودیم؛ پس برای قضاوت عجولانه‌اش، از خدا آمرزش خواست و سرفرود آورد و به درگاهش رو کرد. ۲۴ ما هم لغزشش را بر او بخشیدیم. او پیشمان‌الامقام است و خوش‌عاقبت. ۲۵

داوود! ما تو را نمایندهٔ خود در زمین کردیم. میان مردم به حق داوری کن و تابع میل خودت نباش که از راه خدا منحرف می‌کند. کسانی که از راه خدا منحرف می‌شوند، روز حساب را فراموش کرده‌اند و به سزای این فراموشی، عذابی سخت نصیبشان می‌شود. ۲۶

۱. گویا در زمان‌های قدیم، برای انجام عبادت و به منظور امنیت و آرامش بیشتر، سکوه‌های بلندی می‌ساختند و بر روی آن‌ها مشغول نماز و راز و نیاز می‌شدند.

۲. در این ماجرا خدای حکیم با شبیه‌سازی دو تن از فرشتگانش به صورت آدم می‌خواست حضرت داوود علیه‌السلام را در مهارت قضاوت، پخته‌تر و آبدیده‌تر کند. طرز عجیب و غریب آمدنشان به عبادتگاه داوود علیه‌السلام شاید برای آموختن این بود که او در موقعیت‌های سخت قضاوت، دچار احساسات شخصی نشود.

آسمان و زمین را و آنچه میان آن‌هاست، بیهوده و بی‌هدف نیافریده‌ایم. این خیال بی‌دین‌هاست. پس وای بر بی‌دین‌ها از آتش! ۲۷ آیا کسانی را که ایمان آورده‌اند و کارهای خوب کرده‌اند، با جماعت فاسد یکی می‌کنیم؟! آیا خودمراقبان را مثل تبهکارها در نظر می‌گیریم؟! ۲۸

این قرآن کتابی است پُر خیر و برکت که آن را به سوی تو فرستادیم تا مردم در آیه‌هایش دقت کنند و مردم عاقل به خود بیایند. ۲۹

به داوود سلیمان را بخشیدیم. خوب بنده‌ای بود! بله، خدامحور بود. ۳۰ عصرگاهان اسب‌های اصیل و تندرو را در برابر سلیمان به نمایش گذاشتند. ۳۱ گفت: «من این اسب‌ها را به خاطر خدا و استفاده در جبهه‌ها دوست دارم.» غرق تماشایشان بود تا از نظرها غایب شدند. ۳۲ رژه اسب‌ها به قدری جالب بود که دستور داد: «پیش من برشان گردانید.» پس با دست‌کشیدن بر ساق و یال‌هایشان شروع کرد به نوازششان. ۳۳

در ضمن، او را آزمودیم و جسد بچه‌اش را روی تخت پادشاهی‌اش انداختیم؛ آن وقت رو به درگاه ما آورد! گفت: «خدا یا، مرا بیمارز و حاکمیتی در اختیارم بگذار که جز من کسی مانندش را نداشته باشد. تنها تویی بخشنده.» ۳۴ ۳۵

پس باد را در اختیار سلیمان گذاشتیم: به فرمانش، هر جا که او می‌خواست، به راحتی می‌وزید. ۳۶ همچنین، جئان زبرورنگی را که بتا و غواص بودند ۳۷ و جئان شرووری را که به هم غل و زنجیر بودند. ۳۸ این است عطای بی‌شمار ما. به هر که می‌خواهی، ببخش یا از هر که می‌خواهی، دریغ کن. ۳۹ سلیمان پیشمان و الامقام است و خوش عاقبت. ۴۰ یادی هم بکن از بنده خوبمان، ایوب. وقتی خدا را صدا زد: «شیطان مرا به رنج و بلا مبتلا کرده است!» ۴۱ گفتیم: «پایت را به زمین بزن تا چشمه‌ای بجوشد: مناسب برای شستن، و خنک برای نوشیدن.» ۴۲ ۴۳

۱. سلیمان علیه السلام امید داشت فرزندان پرشماری از همسرانش به دنیا بیایند. او با خود گفت: «فرزندم در اداره کشور و عرصه جنگ به من کمک خواهند کرد.» غفلتی از او سرزد و «إن شاء الله» نگفت؛ یعنی جمله‌ای که بیانگر اتکای انسان به خدا در همه احوال است. پس هیچ فرزندی روزی‌اش نشد، جز بچه‌ای ناقص! سلیمان علیه السلام که راز این آزمون را در غفلت خود یافت، توبه کرد و عذر خواست.

۲. سلیمان علیه السلام می‌خواست در زمان خودش حکومتی با ویژگی‌های منحصر به فرد برپا کند تا راحت‌تر بر مشکلات مُلک و مملکتش فائق آید و زودتر بدخواهان همه فن حریفش را سرکوب کند.

۳. او خود را در آن آب شست و شو داد و از آن نوشید؛ پس تمام ناخوشی‌های جسمی و روحی‌اش شفا یافت.

از سر لطفمان، بچه‌های مرده‌اش را زنده کردیم و تازه به همان تعداد هم به او بچه دادیم تا مایهٔ عبرتی برای مردم عاقل باشد.<sup>۴۳</sup> در ضمن، گفتیم: «دسته‌ای ترکه به دست بگیر و همسرت را با آن بزن و قسم خود را نشکن.»<sup>۴۲</sup> بله، ما دیدیم که او صبور بود. خوب بنده‌ای هم بود! چون که او خدامحور بود.<sup>۴۴</sup>

از بندگان توانمند و با بصیرت‌مان هم یاد کن: ابراهیم و اسحاق و یعقوب.<sup>۴۵</sup> ما با این ویژگی نابشان کردیم: بودن به یاد آخرت.<sup>۴۶</sup> آنان در پیشگاه ما جزو خوبان ممتاز بودند.<sup>۴۷</sup> همچنین، یاد کن از اسماعیل و یسَع و ذوالکفل که همگی از خوبان روزگار بودند.<sup>۴۸</sup>

این قرآن مایهٔ یادآوری است. عاقبتی خوش در انتظار خودمراقبان است:<sup>۴۹</sup> باغ‌های همیشه‌سبزی که دره‌ایش به رویشان باز است.<sup>۵۰</sup> در حالی که آنجا کم داده‌اند روی تخت‌ها، میوه‌های فراوان و نوشیدنی‌های گوارا سفارش می‌دهند.<sup>۵۱</sup> در کنارشان دلبرانی اند با چشمانی خمار و اندامی زیبا.<sup>۵۲</sup> این چیزی است که برای روز حساب به شما وعده می‌دادند.<sup>۵۳</sup> این همان روزی ماست که تمامی ندارد.<sup>۵۴</sup> این برای این طرف قصه؛

اما آن طرف، بد عاقبتی در انتظار طغیان‌گرهاست:<sup>۵۵</sup> جهنمی که در آن سرخ‌وسوخته می‌شوند و آن بد جایگاهی است!<sup>۵۶</sup> باید نوش جان کنند این آب جوشان و چرکاب را.<sup>۵۷</sup> و انواع نوشیدنی‌های دیگر مانند آن را!<sup>۵۸</sup>

به پیشوایان نشان گفته می‌شود: «پیروانتان هم با شما وارد جهنم می‌شوند و در آتش می‌سوزند.» می‌گویند: «خیر نبینند!»<sup>۵۹</sup> پیروان می‌گویند: «شما خیر نبینید! این وضعی است که شما برابمان پیش آوردید و اینجا بد جایگاهی است!»<sup>۶۰</sup> بعد می‌گویند: «خدایا، آن‌هایی که این وضع را برای ما پیش آوردند، عذابشان را در آتش دو برابر کن.»<sup>۶۱</sup>

۱. دربارهٔ حضرت ایوب، آیه‌های ۸۳ به بعد سورهٔ انبیاء (ص ۳۲۹) را هم ببینید.

۲. در دوران بیماری ایوب علیه السلام همسرش مرتکب خطایی شد. ایوب علیه السلام قسم یاد کرد که بعد از بهبودی، با تازیانه ادبش کند. از طرف دیگر، در همان دوران، همسرش تا آخر در کنار او ماند و شریک غم‌هایش بود. خدای مهربان راه حلی پیش پایش گذاشت: ایوب علیه السلام به تعداد ضربه‌هایی که در قسمش ذکر کرده است، ترکه جمع کند و دستهٔ ترکه را فقط یک بار به همسرش بزند تا هم قسمش شکسته باشد و هم همسرش آزار نبیند.

۳. شبیه به این درخواست و پاسخ در آیه‌های ۳۸ به بعد سورهٔ اعراف (ص ۱۵۵) هم آمده است.

جهنمی‌ها می‌گویند: «مردان و زنانی را که جزو اشرار به حساب می‌آوردیم، چرا اینجا نمی‌بینیم؟!» ۶۲ بی‌جهت آن‌ها را در دنیا به مسخره گرفته بودیم؟! یا که چشم‌هایمان درست کار نمی‌کند؟!» ۶۳ این نزاع اهل جهنم حتمی است. ۶۴

بگو: «من فقط یک هشداردهنده‌ام. جز خدای یگانه مسلط بر همه، معبود دیگری در کار نیست؛ ۶۵ همان صاحب آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آن‌هاست، آن شکست‌ناپذیر آمرزنده.» ۶۶

بگو: «قرآن رخداد بزرگی است ۶۷ که شما از آن رو گردانید. ۶۸ اگر به من وحی نمی‌شد، محال بود از فرشتگان عالم بالا خبر بگیرم، آن وقت که دربارهٔ آفرینش آدم بگویم می‌کردند. ۶۹ فقط برای این به من وحی می‌شود که هشداردهنده‌ای باصراحت باشم.» ۷۰

خدا به فرشتگان فرمود: «دارم بشری می‌آفرینم از گل. ۷۱ وقتی خلقتش را کامل کردم و به او جان دادم، در برابرش به سجده بیفتید.» ۷۲ همهٔ فرشتگان بی‌استثنا سجده کردند؛ ۷۳ جز ابلیس که تکبر کرد و سجده نکرد. اصلاً او بی‌دین بود! ۷۴

خدا از او پرسید: «ابلیس! در برابر موجودی که با دستانت خودم آفریده‌ام، چه مانع شد سجده کنی؟! خودت را دست بالا گرفتی یا واقعاً بلندمرتبه بودی؟!» ۷۵

جواب داد: «من از او بهترم: مرا از آتش آفریده‌ای و او را از گل!» ۷۶

فرمود: «حالا که این‌طور شد، از این موقعیت اخراجی! چون که تو رانده شده‌ای ۷۷ و تا روز قیامت، مُدام مشمول لعنتِ منی.» ۷۸

گفت: «خدایا، تا روزی که مردم دوباره زنده می‌شوند، مهلتم بده.» ۷۹

فرمود: «به تو مهلت می‌دهم، ۸۰ نه تا روز قیامت؛ بلکه تا روزی که زمانش را من می‌دانم و بس.» ۸۱

گفت: «به جاه و جلالت قسم که همگی‌شان را از راه به در می‌کنم، ۸۲ مگر بندگان نابت را.» ۸۳

۱. همان روزی که بشر به کمال بلوغ خود می‌رسد و جوامع انسانی از گناه و شررهایی می‌یابند و درست زندگی می‌کنند و جز خدا را نمی‌پرستند. در آن دوران، بساط انحراف و بی‌دینی برچیده می‌شود و زندگی آرام و آرمانی رواج می‌یابد و وسوسه‌های شیطانی رنگ می‌بازد.



فرمود: «قسم به حق، جهنم را پر می‌کنم از تو و همهٔ انسان‌هایی که دنباله‌رؤ باشند. حقیقت را می‌گوییم.» ۸۴ ۸۵

پیامبر! بگو: «من که برای راهنمایی‌تان مزدی از شما نمی‌خواهم! عوام‌فریب هم نیستم. ۸۶ این قرآن فقط مایهٔ به‌خودآمدن جهانیان است ۸۷ و به‌مرور زمان، اخبار و حقایقش را حتماً می‌فهمید.» ۸۸

### سورهٔ زمر

#### به نام خدای خوبِ مهربان

این کتاب فرستادهٔ خدای شکست‌ناپذیرِ کاردرست است. ۱ ما این کتاب را حساب‌شده و هدف‌دار به‌سوی تو فرستادیم؛ پس خدا را با اعتقاد خالص عبادت کن. ۲ بدانید عبادت باید فقط خالص برای خدا باشد.

عده‌ای که به‌جای او کس‌وکاری برای خود می‌گیرند، این‌طور بهانه می‌آورند: «بت‌ها را فقط برای این می‌پرستیم که به خدا نزدیک‌ترمان کنند!» البته خدا در هر چیزی که سرش اختلاف دارند، بین آن‌ها و یکتاپرستان داوری می‌کند. خدا دروغگو‌هایی را که حق را می‌پوشانند، به‌حال خودشان رها می‌کند. ۳

خدا اگر به‌فرض محال، می‌خواست برای خودش فرزندی انتخاب کند، از بین مخلوقاتش کسی را سوا می‌کرد که خودش می‌خواست! او منزه از این‌هاست. او یگانه است و مسلط بر همه. ۴

آسمان‌ها و زمین را بر اساس حکمت آفرید. در طول سال، مدتی شب‌ها را بلند و روزها را کوتاه می‌کند و مدتی روزها را بلند و شب‌ها را کوتاه. ۱ خورشید و ماه را هم در خدمتتان گذاشته است. هریک از آن‌ها مدتی معین در مدار خود می‌گردد. بدانید او شکست‌ناپذیرِ آمرزنده است. ۵

خدا شما را از یک انسان آفرید و از نوع او همسرش را هم آفرید. در ضمن، از ردهٔ چهارپایان، چهار جفت برای استفاده‌تان اختصاص داد.<sup>۱</sup> خلقت شما را در شکم مادرانتان مرحله به مرحله در تاریکی‌های سه‌گانه کامل کرد: شکم، رحم، کیسه‌آب. این است خدایی که صاحب اختیار شماست. فرمانروایی عالم فقط در اختیار اوست. معبودی جز او نیست. پس به کجا می‌برندتان؟! <sup>۶</sup>

اگر بی دینی کنید، خدا بی نیاز از دین‌داری شماست. او بی دینی را برای بندگانش نمی‌پسندد. حال آنکه اگر شکر کنید، این شکرگزاری را برایتان می‌پسندد. کسی بارگناه کسی را به دوش نمی‌کشد. دست‌آخر، به سوی خداست برگشتنتان و او از کارهایتان باخبرتان می‌کند؛ زیرا او خوب می‌داند هر آنچه را در دل‌ها می‌گذرد. <sup>۷</sup>

تا انسان مشکلی برایش پیش بیاید، با رو آوردن به خدا صدایش می‌زند؛ ولی تا خدا از طرف خودش نعمتی به او مرحمت کند، مشکلی را که قبلاً برای رفعش دست‌به‌دعا بود، فراموش می‌کند! و برای خدا همتایانی قرار می‌دهد تا دوباره مردم را از راه خدا به در کند. بگو: «چند صباحی به ناشکری ات سرگرم باش که تو حتماً جهنمی می‌شوی!» <sup>۸</sup>

این کجا و آن‌که در دل شب، به حال سجده و قیام، مشغول عبادت است، کجا! همان‌که از عذاب آخرت می‌ترسد و به رحمت خدا امید بسته است. پیرس: «آیا کسانی که به خدا معرفت دارند و کسانی که معرفت ندارند، یکسان‌اند؟» تنها مردم عاقل به خود می‌آیند. <sup>۹</sup>

بگو: «ای بندگان باایمانم، در حضور خدا مراقب رفتارتان باشید. کسانی که دیندار باشند، در همین دنیا خوشبخت‌اند. البته زمین خدا پهناور است. برای حفظ دینتان مهاجرت کنید و در سختی‌های صبور باشید<sup>۲</sup> که به یقین، پاداش اهل صبری‌شمار داده می‌شود.» <sup>۱۰</sup>

۱. آیه‌های ۱۴۲ به بعد سورهٔ انعام (ص ۱۴۶) را ببینید.

۲. آیهٔ ۹۷ نساء (ص ۹۴) و ۵۶ عنکبوت (ص ۴۰۳) را ببینید.

بگو: «من مأمورم که خدا را با اعتقاد خالص عبادت کنم ۱۱ و مأمورم که سرآمد مسلمانان باشم.» ۱۲ بگو: «من می ترسم با پرستش غیرخدا، گرفتار عذابِ روزی هولناک بشوم.» ۱۳

بگو: «من فقط خدا را با اعتقاد خالصم عبادت می کنم. ۱۴ شما هم هرآنچه جز خدا می خواهید، عبادت کنید.»

بگو: «ورشکسته ها کسانی اند که روز قیامت معلوم می شود به خودشان و خانواده شان چقدر ضرر زده اند! بدانید این است همان ورشکستگی جبران ناپذیر!» ۱۵ پوشش هایی آتشین از بالای سرشان و از پایین پایشان آن ها را فرا می گیرد. این است آن چیزی که خدا بندگان را با آن می ترساند. بندگانم! در حضور من مراقب رفتارتان باشید. ۱۶

خوشا به حال کسانی که از عبادت طاغوت ها دوری می کنند و رو به درگاه خدا می آورند. بله، مژده بده به این بندگانم که حرف ها و تبلیغات گوناگون را با دقت می شنوند و با تجزیه و تحلیل، دنبال بهترینش می روند. آنان کسانی اند که خدا دستشان را در زندگی گرفته است و آنان همان مردم عاقل اند. ۱۷ ۱۸ آن هایی که وعده عذاب برایشان حتمی شده، راه نجاتی دارند؟! آیا تو می توانی این ها را که در آتش اند، نجات بدهی؟! ۱۹

ولی کسانی که در حضور خدا مراقب رفتارشان باشند، خانه های بهستی چندطبقه نصیبشان می شود که از زیرشان جوی ها روان است. خدا وعده ای داده که راست راست است و او برخلاف وعده اش عمل نمی کند. ۲۰

مگر ندیدی که خدا از آسمان برف و باران می فرستد و در سفره های زیرزمینی ذخیره اش می کند؟! بعد، به برکتش، گیاهانی رنگارنگ از دل خاک بیرون می آورد. مدتی بعد، پژمرده می شوند و می بینی که زرد شده اند. آخر سر، به صورت خس و خاشاک درمی آورده اند! در این تغییرات عبرتی برای مردم عاقل است. ۲۱

آنانی که خدا ظرفیت درونی‌شان را برای پذیرش اسلام زیاد کرده و در پرتو نور الهی زندگی می‌کنند، آیا مثل کوردل‌های بی‌لیاقت‌اند؟! وای بر چنین سنگدل‌هایی که از یاد خدا غافل‌اند! آن‌ها غرق گمراهی‌اند. ۲۲

خدا بهترین سخن یعنی قرآن را فرستاده است: کتابی که آیه‌هایش هماهنگ‌اند و همدیگر را توضیح می‌دهند. کسانی که از خدا حساب می‌برند، با شنیدن آیه‌های قرآن مو بر بدنشان راست می‌شود. سپس جسم و جانشان با یاد خدا آرام می‌گیرد. این هدایت خداست که با آن، دست هر که را لایق بدانند، می‌گیرد. هر که را هم خدا به حال خودش رها کند، دیگر راهبری ندارد. ۲۳

آن‌ها که روز قیامت، به خاطر بسته بودن دست و پایشان، صورتشان را سپر سوزش عذاب می‌کنند، آیا مثل آن‌هایی‌اند که از عذاب در امان‌اند؟! به چنین ستمکارهایی گفته می‌شود: «بچشید کارهای زشتی را که انجام می‌دادید!» ۲۴

کسانی هم که قبل از این‌ها بودند، آیه‌های الهی را دروغ دانستند؛ پس در اوج بی‌خبری، عذاب سراغشان آمد! ۲۵ در نتیجه، خدا در همین دنیا به آن‌ها طعم خفت و خواری چشانند. بماند که عذاب آخرت به مراتب بزرگ‌تر است. کاش می‌دانستند! ۲۶

واقعاً در این قرآن از هر مثالی برای راهنمایی مردم استفاده کرده‌ایم تا به خود بیایند. ۲۷ قرآنی که به زبان رسای عربی است و بدون هیچ حرف انحرافی؛ شاید مراقب رفتارشان باشند. ۲۸

خدا برده‌ای را مثال می‌زند که چند صاحب بدعُنق دارد که هر یک دستوری به او می‌دهد و برده‌ای را که فقط یک صاحب دارد. این دو یکی‌اند؟! خدا را سپاس که بندگی‌اش بهتر از بت‌پرستی است؛ ولی بیشتر بت‌پرست‌ها این را نمی‌دانند. ۲۹

تو می‌میری و آن‌ها هم می‌میرند. ۳۰ آن وقت در روز قیامت همه‌ی شما پیش خدا بر سر حَقانیتِ همدیگر بگومگو می‌کنید. ۳۱